

پیامدهای سطحی نگری به مفهوم انتظار در عرصه تمدن جدید اسلامی

حجت حیدری چراتی^۱

مرضیه عیوضی^۲

چکیده

«انتظار» به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در فرهنگ دینی و اجتماعی، ظرفیت بی‌بدیلی برای حرکت‌های تمدنی دارد. با این حال، مواجهه سطحی نسبت به این مفهوم می‌تواند مانع تحقق ظرفیت‌های عمیق تمدن‌ساز آن شود. سطحی‌نگری به انتظار، آن را از یک محرک تحول‌آفرین به یک باور منفعلانه تقلیل می‌دهد که این، باعث رکود اجتماعی و فرهنگی می‌شود. از سوی دیگر، انتظاری آگاهانه می‌تواند به عنوان محرک خلاقیت، عدالت‌محوری و پویایی اجتماعی نقش‌آفرینی کند. از این رو، در مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بر آنیم به بررسی پیامدهای سطحی‌نگری در مفهوم انتظار بپردازیم. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که تأمل عمیق در مفهوم انتظار و بازنگری در نحوه ترویج آن، برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های تمدن‌ساز این باور ضروری است. توجه به ابعاد معنوی و اجتماعی انتظار می‌تواند جامعه را به سوی توسعه و پیشرفت همه‌جانبه هدایت کند. همچنین انتظار سطحی به برداشت‌های محدود و کاهش خلاقیت اجتماعی منجر شده، و به جای ایجاد انگیزه برای پیشرفت، باعث تضعیف سرمایه انسانی و عدم تأکید بر نقش فرد در اصلاح و تحول اجتماعی و نیز باعث هدررفت ظرفیت‌های انسانی؛ ناتوانی در مقابله با بحران‌ها، باعث نبود رویکرد فعال در انتظار؛ تأخیر در دستیابی به عدالت اجتماعی می‌گردد که در نتیجه تأکید بر نتایج صرفاً معنوی بوده و از تلاش برای تحقق عدالت در زندگی روزمره می‌کاهد.

واژگان کلیدی: انتظار سطحی، انتظار پویا، تمدن‌سازی، عدالت

۱. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا. hojathaidadi@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین (دانشگاه تهران)، me.eyvazi@yahoo.com

مقدمه

در بستر فرهنگ دینی و اجتماعی، برخی مفاهیم نقش محوری در شکل دهی به نگرش ها و حرکت های جمعی ایفا می کنند. «انتظار» یکی از این مفاهیم کلیدی است که در عین دارابودن پتانسیل تحول آفرینی، ممکن است با رویکردهای سطحی و ساده انگارانه، از ظرفیت های واقعی خود فاصله بگیرد. انتظار می تواند الهام بخش حرکت های تمدن ساز باشد؛ اما اگر به صورت یک باور منفعل و بی تأثیر در رفتار اجتماعی تعبیر شود، به جای تحول آفرینی، رکود و ایستایی را تقویت می کند. این پژوهش در نظر دارد به بررسی پیامدهای سطحی به انتظار در عرصه تمدن سازی بپردازد و پیامدهای منتج بر این سطحی نگری را مورد واکاوی قرار دهد. همچنین با شناسایی موانع ناشی از برداشت های سطحی از انتظار، به ارائه راهکارهایی بپردازد که نه تنها به بازیابی ظرفیت های تمدن ساز این باور کمک کند، بلکه نگرشی جدید برای ترویج آن در جهت حرکت های توسعه محور ارائه دهد.

سؤال اصلی این پژوهش، بررسی پیامدهای ناشی از سطحی نگری به مفهوم انتظار است. همچنین در این نوشتار در پی پاسخ به این سؤالات فرعی هستیم: این سطحی نگری چگونه می تواند جامعه را از تلاش های هدفمند و تمدن ساز دور کند؟ و از طرفی، چگونه نگاه عمیق و مسئولانه به انتظار می تواند زمینه ساز اصلاحات اجتماعی، عدالت طلبی و پیشرفت فرهنگی شود؟ آنچه به عنوان فرضیه در این پژوهش مطرح شده، این گونه است: انتظار، اگر به درستی تفسیر و ترویج شود، می تواند نیروی محرکه ای برای پیشرفت و توسعه تمدنی باشد؛ اما در صورت بی توجهی به ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن، پیامدهای منفی جدی در سطح فردی و جمعی خواهد داشت.

ضرورت این نوشتار در این دوره بدین سبب می باشد که حکومت جمهوری اسلامی ایران، بر اساس مؤلفه های اسلامی و باتکیه بر آموزه های دینی شکل گرفته است. یکی از مؤلفه های بنیادین در این زمینه، مفهوم "انتظار" است که به عنوان عنصر کلیدی در فرهنگ اسلامی و شیعی نقش مهمی در هدایت جامعه به سوی آرمان های متعالی دارد. با وجود این، اگر انتظار به صورت سطحی و منفعلانه درک و ترویج شود، پیامدهای منفی متعددی را در عرصه

تمدن‌سازی خواهد داشت. نگاه سطحی به انتظار، به معنای برداشت‌هایی است که صرفاً به تحمل وضعیت موجود و انفعال در برابر مشکلات ختم می‌شود. این نوع برداشت، باعث تضعیف روحیه تلاش و پیشرفت مردم، افزایش بی‌عدالتی اجتماعی، گسترش فرهنگ تسلیم و یأس، کاهش نقش تربیتی انتظار می‌شود. در مقابل، درک عمیق و فعالانه از انتظار، پیامدهای مثبتی از جمله تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی، توسعه عدالت و همبستگی اجتماعی، ارتقای ظرفیت‌های تمدنی و... را به همراه خواهد داشت که می‌توانند در جهت تمدن‌سازی اسلامی به کار گرفته شوند. بنابراین، بررسی پیامدهای سطحی به انتظار و ارائه راهکارهایی برای ترویج برداشت صحیح و سازنده از این مفهوم، از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار است. این پژوهش می‌تواند نقشی مهم در بازتعریف مفاهیم دینی و ارتقای ظرفیت‌های تمدنی حکومت اسلامی ایفا کند.

مفاهیم نظری

انتظار: واژه انتظار و مشتقات آن در منابع لغت، به معنای چشم دوختن، با تأمل نگاه کردن،^۱ نظاره‌گر بودن، توقع امری را داشتن و مراقب بودن^۲ آمده است. انتظار به معنای امیدوار بودن، چشم‌به‌راه بودن، چشم‌داشتن، لحظه‌شماری کردن و مترصد بودن وقوع امر و یا دستیابی به یک خواسته قلبی است.^۳ اصطلاح انتظار در فرهنگ شیعی، مفهوم و ویژگی‌های خاصی دارد که این آموزه را از معنای مبهم و خنثا که در میان پیروان ادیان دیگر مطرح است، متمایز می‌سازد؛ زیرا در عرصه‌های دیگر علی‌القاعده بشر منتظر امام حی منظور شیعه نیست.

انتظار، در اصطلاح شیعی، به معنای چشم‌به‌راه بودن برای تحقق وعده‌الاهی در ظهور منجی موعود عَلَيْهِ السَّلَام است. این حالت، صرفاً یک حالت درونی یا احساسی نیست، بلکه با ویژگی‌هایی

۱. الجوهري، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۲، ص ۸۳۰.

۲. حنفي، تاج العروس، ج ۷، ص ۵۳۹.

۳. دهخدا، لغت نامه، ذیل کلمه انتظار، معین، فرهنگ فارسی، کلمه انتظار، ۱۳۸۶.

همچون امید فعال، آمادگی دائمی، اصلاح فردی و اجتماعی و مسئولیت‌پذیری همراه است. از این رو، در فرهنگ شیعه، انتظار مفهومی پویا تلقی می‌شود که می‌تواند در ابعاد مختلف حیات انسانی و اجتماعی تأثیرگذار باشد.

در مقاله حاضر، باتکیه بر این تعریف، انتظار به مثابه نیرویی محرک برای فرهنگ‌سازی، جهت‌دهی به رفتارهای اجتماعی و ایجاد تمدن جدید اسلامی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

تمدن: در تعریف لغوی «تمدن» به معنای شهرنشینی و خروج انسان از حالت ابتدایی و بدوی به سمت نظم اجتماعی پیشرفته است.^۱ در اصطلاح، تعاریف گوناگونی از تمدن ارائه شده است؛ از جمله، تمدن به عنوان مرحله‌ای خاص از فرهنگ با خلاقیت اقلیت مبتکر^۲، یا نظمی اجتماعی که خلاقیت فرهنگی را امکان‌پذیر می‌سازد^۳، و نیز ساختاری فرهنگی و اجتماعی در بالاترین سطح هویتی.^۴

در این میان، علامه محمدتقی جعفری، تمدن را فرایند هماهنگ رشد مادی و معنوی انسان‌ها در پرتو حیات معقول و روابط عادلانه تعریف می‌کند؛ جایی که همه افراد و گروه‌ها در جهت تحقق اهداف متعالی انسانی سهیم‌اند.^۵

بر اساس این دیدگاه، تمدن مطلوب در نگاه اسلامی، صرفاً توسعه فنی یا اقتصادی نیست، بلکه به ارزش‌های معنوی، عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها نیازمند است.

از این رو، انتظار دینی، به‌ویژه در قالب پویای آن، می‌تواند باتکیه بر امید هدفمند، آمادگی اجتماعی، و روحیه عدالت‌خواهی، به‌عنوان نیرویی محرک در تمدن‌سازی نقش ایفا کند. چنین انتظاری با رویکرد ارزشی علامه جعفری نسبت به تمدن، همسو بوده و ظرفیت‌های تمدنی فرهنگ شیعی را تقویت می‌کند.

۱. دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه تمدن؛ عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۶۱۵.

۲. لوکاس، تمدن در بوته نقد، ص ۱۶.

۳. ویل دورانت، تاریخ تمدن (مشاهیر شرق)، ص ۵.

۴. هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ص ۴۷.

۵. علامه جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۵، ص ۶۱.

تفاوت انتظار سطحی (منفعل) با انتظار پویا (فعال)

انتظار سطحی: به عنوان یک نوع انتظار منفعلانه، در واقع به نوعی از نگرش اجتماعی اطلاق می‌شود که در آن افراد به جای این‌که در فرایند تغییرات اجتماعی و فرهنگی مشارکت کنند، خود را در انتظار تحولاتی از بیرون می‌بینند. در این نوع نگرش، فرد به جای ایفای نقش فعال در تغییرات، به تحولات اجتماعی به طور غیرمستقیم و بدون تلاش‌های فردی نگاه می‌کند. در واقع، انتظار سطحی می‌تواند به عنوان یک بازتاب از بی‌اعتمادی به خود و سیستم اجتماعی در نظر گرفته شود که به سکون و رکود در جامعه منجر می‌شود. در این شرایط، افراد کمتر به خودشان و جامعه‌شان ایمان دارند و تنها به «ظهور» یک نیروی بیرونی یا تغییرات احتمالی در آینده امید می‌بندند، همانند برخی نگرش‌هایی که تنها به صورت تک بُعدی به مسئله انتظار پرداخته‌اند و ایجاد هرگونه حرکت‌ها و تغییرات اجتماعی وسیع و زیربنایی در جهت آماده‌سازی برای ظهور را رد می‌کنند.

در مقابل، **انتظار پویا** نوعی انتظار است که با نگرشی فعالانه همراه است. در این نوع انتظار، فرد به طور مستمر در جست و جوی تغییرات اجتماعی و دینی است و خود را به عنوان یک عامل فعال در فرایند تغییر می‌بیند. انتظار پویا نه تنها یک انتظاری غیبی از آینده نیست، بلکه به طور مستمر فرد را به پذیرش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی برای تحقق اهداف بلندمدت اجتماعی و دینی ترغیب می‌کند. این انتظار معمولاً با حس مسئولیت اجتماعی همراه است که انسان را به طور فعال به سمت اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و دینی سوق می‌دهد.^۱ به طور خاص، از این منظر که چگونه نگرش‌های متفاوت می‌توانند به تحولات اجتماعی و تمدنی دامن بزنند، حائز اهمیت است. در انتظار سطحی، چون فرد از خود و جامعه‌اش قطع امید کرده است، توان مقابله با بحران‌های اجتماعی و فرهنگی را از دست می‌دهد؛ درحالی‌که انتظار پویا، انسان را به تحرک، نوآوری و بازسازی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تشویق می‌کند.

۱. مطهری، آزادی و معنویت، ص ۴۵.

نقش انتظار سطحی و چالش‌های آن در بسترسازی تمدن اسلامی

انتظار سطحی در جوامع اسلامی می‌تواند مشکلات زیادی در مسیر تحقق تمدن اسلامی ایجاد کند. انتظار سطحی در واقع باعث می‌شود که افراد از خود و جامعه‌اش به طور فعالانه نقش‌آفرینی نکنند. در این جا، چند چالش عمده که انتظار سطحی در بسترسازی تمدن اسلامی ایجاد می‌کند؛ بررسی می‌شود:

الف) کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی: انتظار سطحی با کاهش مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز رکود فرهنگی و اجتماعی می‌شود. در چنین برداشتی، افراد تصور می‌کنند که تحولات تمدنی مستقل از تلاش آن‌ها رخ می‌دهد و در نتیجه، از ایفای نقش در تغییرات اجتماعی و فرهنگی کناره‌گیری می‌کنند. این نگرش به جای آن که ظرفیت‌های اجتماعی را فعال کند، جامعه را به سمت انفعال و چشم‌انتظاری غیرمولد سوق می‌دهد؛ درحالی‌که تمدن اسلامی بر مشارکت آگاهانه و تلاش مستمر بنا شده، انتظار سطحی موجب عدم مشارکت در فرایندهای تمدنی و علمی می‌شود. چنین نگرشی، نه تنها بسترساز تمدن اسلامی نیست، بلکه می‌تواند به تعلیق یا توقف حرکت تمدنی نیز منجر شود. از این رو، بازتعریف مفهوم انتظار در چارچوب تمدن‌سازی اسلامی ضروری است تا از برداشت‌های انفعالی و غیرسازنده جلوگیری شود.^۱

در همین زمینه، از منظر جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی کنش اجتماعی، انتظار می‌تواند به عنوان یک نیروی محرک یا بازدارنده در تحولات اجتماعی و تمدنی عمل کند. انتظار فعال نوعی کنش اجتماعی است که افراد را به مشارکت در فرایندهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سوق می‌دهد؛ اما انتظار سطحی به واکنش‌پذیری منفعلانه و کاهش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

ماکس وبر در نظریه کنش اجتماعی بر نقش باورهای دینی در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی تأکید دارد. در این چارچوب، اگر انتظار به عنوان یک ارزش اجتماعی فعال و مسئولیت‌ساز تفسیر شود، می‌تواند به توسعه اجتماعی و تمدنی کمک کند. اما در صورتی که این

۱. همان.

انتظار به شکل جبرگرایانه و منفعلانه برداشت شود، افراد را از مشارکت فعال در تغییرات اجتماعی باز می‌دارد.^۱

از سوی دیگر، نظریه‌های «کارکردگرایی» (همچون دیدگاه دورکیم) نشان می‌دهند که انسجام اجتماعی زمانی تقویت می‌شود که افراد در فرایندهای فرهنگی و اجتماعی نقش آفرینی کنند؛ اما انتظار سطحی، هویت اجتماعی و حس تعهد جمعی را تضعیف می‌کند و موجب فردگرایی منفی و کناره‌گیری از مسئولیت‌های مدنی می‌شود.^۲ در نتیجه، از منظر جامعه‌شناختی، انتظار سطحی می‌تواند به افول کنشگری اجتماعی، تضعیف نهادهای مدنی و کاهش مشارکت در فرایند تمدن‌سازی بینجامد. بنابراین، اصلاح‌گفتمان انتظار در جوامع دینی ضروری است تا این مفهوم در جهت ایجاد تحولات مثبت اجتماعی و تمدنی بازتعریف شود.

ب) ضعف در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی: در جوامعی که در آن انتظار سطحی رایج است، از ظرفیت‌های انسانی برای توسعه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی به درستی استفاده نمی‌شود. هنگامی که افراد فقط منتظر تحولات از بیرون باشند، زمینه‌های داخلی برای تحول و نوآوری به تعویق می‌افتد. به ویژه در تمدن اسلامی که بر تحول اجتماعی از درون جامعه و ترویج عدالت اجتماعی تأکید زیادی وجود دارد؛ انتظار سطحی می‌تواند به ضعف و رکود اجتماعی دامن بزند.^۳

ج) ناامیدی اجتماعی و بی‌اعتمادی به آینده: یکی از پیامدهای انتظار سطحی، ناامیدی اجتماعی است. در این نگرش، افراد به جای اعتماد به ظرفیت‌های خود برای ایجاد تغییرات اجتماعی و دینی، به طور دائم در انتظار وقوع تغییر از بیرون می‌نشینند. این انتظار منفعلانه به جای تقویت اعتماد به فرایندهای اجتماعی و دینی، به بی‌اعتمادی و ناامیدی جمعی منجر می‌شود. افراد در چنین جامعه‌ای ممکن است احساس کنند برای تحقق تغییرات تمدنی و

۱. وبر، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ص ۱۲۵.

۲. دورکیم، صور ابتدایی حیات دینی، ص ۱۸۷.

۳. نراقی، حکمت اجتماعی در تمدن اسلامی، ص ۱۱۳.

اجتماعی به دخالت خارجی یا جبرگرایی نیاز دارند، و این موجب می‌شود که مشارکت اجتماعی کاهش یابد.^۱

نگرش سطحی به انتظار که در برخی جریان‌ها مانند انجمن حجتیه نمایان است، به طور قابل توجهی بر فرایندهای اجتماعی و تمدنی تأثیر می‌گذارد. در این رویکرد، افراد به جای مسئولیت‌پذیری فعال در قبال تغییرات اجتماعی، به طور منفعلانه در انتظار وقوع تحول از بیرون هستند. این نوع انتظار که در آن فرد به تحولات اجتماعی و دینی به‌عنوان امری غیبی و بیرونی نگاه می‌کند، می‌تواند به ناامیدی اجتماعی و کاهش اعتماد به فرایندهای اجتماعی منجر شود. به طور تلویحی، این نگرش به جای تقویت مشارکت اجتماعی، جامعه را به سمت رکود و بی‌حرکتی سوق می‌دهد و فرایند تمدن‌سازی را کند می‌کند. این نگرش که بیش از آنکه بر ظرفیت‌های داخلی جامعه تأکید کند، به انتظاری منفعلانه می‌پردازد؛ در نهایت موجب کاهش سرمایه اجتماعی و بی‌اعتمادی به آینده می‌شود.

د) عدم تحقق عدالت اجتماعی: در انتظار سطحی، مردم بیشتر به دنبال تحولاتی معنوی و غیبی هستند و کمتر در پی تحقق عدالت اجتماعی در زندگی روزمره می‌روند. این مسئله می‌تواند به بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی منجر شود. در جوامع اسلامی، یکی از اصلی‌ترین اهداف در مسیر تمدن‌سازی، تحقق عدالت اجتماعی است و انتظار سطحی می‌تواند این هدف را به تأخیر بیندازد.^۲

انتظار پویا می‌تواند به‌عنوان یک نیروی محرکه برای اصلاحات اجتماعی و فرهنگی در جامعه اسلامی عمل کند، درحالی‌که انتظار سطحی به کاهش مشارکت فعال فرد در تحولات اجتماعی و رکود تمدنی منجر می‌شود. برای تحقق تمدن اسلامی، ضروری است که جامعه به سمت انتظار پویا و مسئولیت‌پذیر حرکت کند تا از ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی خود برای پیشرفت و اصلاحات بهره‌برداری کند.

۱. قرائتی، انتظار و تمدن اسلامی، ص ۹۰ و پاتنام، رابرت. دموکراسی و سرمایه اجتماعی، ص ۹۸.

۲. سبحانی، انتظار و زمینه‌های اجتماعی آن، ۱۳۸۳، ص ۷۷.

۱. جایگاه انتظار در تمدن اسلامی

انتظار در تمدن اسلامی مفهومی دینامیک و تعامل‌پذیر است که تنها به عنوان مفهومی ذهنی یا معنوی مطرح نمی‌شود، بلکه انتظار فعال در آموزه‌های اسلامی به عنوان نیرویی است که انسان‌ها را به سوی تحقق عدالت جهانی و تبدیل جوامع به تمدن‌های انسانی سوق می‌دهد. این نگاه، برخلاف برداشت‌های انفعالی، تأکید می‌کند که انتظار باید بر اساس عمل‌گرایی و پیشبرد اهداف الهی در زندگی فردی و اجتماعی باشد. انتظار در این دیدگاه، مشابه آمادگی جمعی برای تحقق هدف‌های بزرگ است که از سوی قرآن و سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تأکید شده است. در آیات قرآن، همچون «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ»^۱ انتظار ظهور صالحان و ایجاد تغییرات اساسی، به عنوان بخشی از وظایف اجتماعی مطرح می‌شود. این نوع نگرش به انتظار از جوامع می‌خواهد که نه تنها وقوع تحول در آینده را انتظار داشته باشند، بلکه به طور فعال برای ساخت آینده‌ای بهتر و مبتنی بر عدالت اجتماعی گام بردارند. با این حال، سطحی‌نگری به این مفهوم باعث منحرف شدن هدف اصلی می‌شود. در صورت کم‌رنگ شدن مفهوم انتظار فعال، فرد و جامعه به جای حرکت به سمت توسعه و پیشرفت، در دام نگرش‌های انفعالی گرفتار می‌آیند. انتظار سطحی نه تنها باعث می‌شود که جامعه از وظایف اجتماعی خود عقب بماند، بلکه ناامیدی اجتماعی و عدم اعتماد به آینده را نیز در پی خواهد داشت. در ادامه به چرایی و چگونگی پیامدهای سطحی به انتظار در عرصه تمدن پرداخته و از این منظر مسئله را مورد واکاوی قرار می‌دهیم:

چرایی توجه به انتظار سطحی

انتظار در فرهنگ شیعی، مفهومی پویا و تحول‌آفرین است که نه تنها به امیدواری و صبر اشاره دارد، بلکه فرد و جامعه را به مسئولیت‌پذیری و اصلاح‌گری سوق می‌دهد. با این حال، در برخی موارد، این مفهوم دستخوش سطحی‌نگری شده و از معنای اصیل خود فاصله می‌گیرد. درک

۱. قصص: ۵.

نادرست از انتظار، به رویکردهای منفعلانه‌ای منجر می‌شود که جامعه را از نقش فعال خود در تحقق عدالت و آماده‌سازی برای ظهور باز می‌دارد. از این رو، بررسی دلایل شکل‌گیری چنین نگرشی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ادامه، برخی از عوامل اصلی که موجب سطحی‌نگری در مفهوم انتظار می‌شوند، بررسی می‌شود:

۲. فرار از مسئولیت اجتماعی

یکی از دلایل شکل‌گیری نگاه سطحی به انتظار، تمایل به فرار از مسئولیت‌های اجتماعی و اصلاح‌گری دینی مطابق با اصول صحیح اسلامی است. این نوع نگرش، انسان‌ها را به منتظرانی منفعل تبدیل می‌کند که به جای تلاش برای ایجاد عدالت، خود را در حاشیه تحولات اجتماعی قرار می‌دهند. چنین تفکری اغلب در پی تفسیرهای نادرست از آموزه‌های دینی پدید می‌آید و جامعه را از نقش فعال در مسیر اصلاح باز می‌دارد.

۳. تقدیرگرایی و انتظار منفعلانه

باور به این که مشکلات جامعه تنها با ظهور منجی حل خواهد شد، یکی دیگر از ریشه‌های توجه سطحی به انتظار است. این دیدگاه، به جای درک مفهوم عمیق انتظار به عنوان «امید فعال»، آن را به تقدیرگرایی تقلیل می‌دهد و منتظران را از مشارکت در تغییر شرایط باز می‌دارد.

۴. نگرش انحصارگرایانه به حقیقت

یکی از دلایلی که باید به انتظار سطحی توجه شود، نگرش انحصارگرایانه به این مفهوم است که برخی جریان‌های فکری و ایدئولوژیک با تعریف محدود از انتظار، عملاً آن را در چارچوب‌های بسته و خاص خود قرار می‌دهند. در این نگرش، مفهوم انتظار، به جای اینکه به عنوان رویکردی پویا و جامع در خدمت توسعه فردی و اجتماعی باشد، به یک ابزار ایدئولوژیک تبدیل می‌شود که تنها در جهت منافع و باورهای خاص گروهی استفاده می‌شود. این نوع نگرش، نه تنها افق دید جامعه را محدود می‌کند، بلکه موجب ترویج افکار بسته و غیرانتقادی در سطح اجتماعی نیز می‌شود. در این نگرش، توجه به نشانه‌های ظهور و تعمیم آن‌ها به شرایط کنونی جامعه، به طور

غیرمنتقدانه صورت می‌گیرد. این رویکرد باعث می‌شود افراد و گروه‌ها از توجه به مسائل و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی واقعی غافل شوند و به جای تلاش برای حل مشکلات جامعه، تنها به انتظار وقوع تحول غیبی در آینده بسنده کنند.

به همین دلیل، توجه به این نوع نگرش انحصارگرایانه بسیار ضروری است؛ زیرا می‌تواند به رکود فکری و اجتماعی منجر شود و ظرفیت‌های بالفعل جامعه برای پیشرفت و توسعه را مهار کند.

از منظر نویسنده، توجه به انتظار سطحی از دو جهت ضروری است: نخست، برای آگاهی بخشی به منتظران که در دام تفسیرهای نادرست و انحرافی نیفتند؛ دوم، به عنوان چالش اجتماعی که می‌تواند به رکود فکری و اجتماعی منجر شود. انتظار، اگر به درستی تبیین نشود، به جای آن که موتور محرک جامعه باشد، به عاملی برای توجیه انفعال و کناره‌گیری از مسئولیت‌های فردی و اجتماعی تبدیل خواهد شد. از این رو، بازشناسی صحیح مفهوم انتظار و تفکیک آن از برداشت‌های سطحی، گامی ضروری در مسیر دستیابی به جامعه‌ای آگاه و پویا است.

پیامدهای توجه سطحی به انتظار

در برداشت‌های سطحی از انتظار، مفهومی که می‌تواند عامل تحول و پیشرفت باشد، به ابزاری برای توجیه انفعال و رکود تبدیل می‌شود. چنین نگرشی نه تنها زمینه‌ساز تضعیف انگیزه‌های اصلاحی در جامعه است، بلکه پیامدهایی همچون کاهش پویایی اجتماعی، شکل‌گیری جریان‌های انحرافی و گسترش ناامیدی عمومی را داراست. از این منظر، پیامدهای توجه سطحی به انتظار، در دو بُعد فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. در سطح فردی، مانع از درک صحیح نقش انسان در حرکت به سوی عدالت و کمال می‌شود و در سطح اجتماعی، با تضعیف سرمایه اجتماعی و انسجام عمومی، جامعه را در برابر چالش‌های فرهنگی و تمدنی آسیب‌پذیر می‌کند. در چنین وضعیتی، اگر این نگرش‌ها به طور جدی بازنگری نشوند، ممکن است به بی‌تفاوتی و حتی بی‌اعتمادی نسبت به مفاهیم بنیادی اسلام منتهی شوند؛ به ویژه

این‌که نگرش‌های سطحی به انتظار، فضای مناسبی را برای ظهور جریان‌های انحرافی فراهم می‌کنند که مفاهیم دینی را برای توجیه انفعال یا مقابله با اصلاحات اجتماعی به کار می‌برند. این جریان‌ها با ترویج تسلیم‌پذیری در برابر شرایط موجود، مانع پیشرفت و تحول جامعه می‌شوند.

همچنین، وقتی که انتظار تنها به یک حالت ذهنی و ایستا تقلیل می‌یابد، به تدریج موجب تضعیف انگیزه‌های اجتماعی و ایجاد فاصله میان آرمان‌های اسلامی و واقعیت‌های اجتماعی می‌شود. این شکاف می‌تواند به گسترش ناامیدی عمومی و کاهش ظرفیت‌های تمدنی منجر گردد. در همین زمینه، باید به طور خاص به مفهوم انتظار از منظر اسلام و نقش فعال آن در تحول اجتماعی و تمدن‌سازی توجه کرد. انتظار، اگر به عنوان یک فرایند پویا و متعهدانه درک شود، می‌تواند نیروی محرکه‌ای برای حرکت به سوی عدالت و پیشرفت اجتماعی باشد؛ اما وقتی که این مفهوم به صورت سطحی و انفعالی نگریسته شود، به پاسخگویی به نیازهای اساسی جامعه و تحقق اهداف تمدنی قادر نخواهد بود.

از این رو، انتظار، به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در فرهنگ اسلامی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر تمدن‌سازی ایفا کند. نوع برداشت جامعه از این مفهوم، به طور مستقیم بر ساخت یا رکود تمدنی تأثیر دارد. برداشت سطحی از انتظار، مانعی برای تحقق اهداف تمدنی است؛ در حالی که انتظار فعال و عمیق، جامعه را به سوی پیشرفت و عدالت محوری سوق می‌دهد. برای بررسی این موضوع، ابتدا باید به دلایل شکل‌گیری سطحی‌نگری و سپس به پیامدهای آن در عرصه تمدن‌سازی بپردازیم.

تأثیر فرهنگ سطحی از انتظار بر تمدن‌سازی

در برداشت سطحی، انتظار به معنای «صبر منفعلانه» یا تمرکز بر نشانه‌های ظهور و جنبه‌های غیبی تقلیل داده می‌شود. این نگاه، اغلب ناشی از آموزش ناقص یا انحرافی است که در آن،

جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی انتظار نادیده گرفته شده است.^۱ چنین تفسیری به تقدیرگرایی می‌انجامد؛ یعنی افراد باور دارند که هیچ تغییری پیش از ظهور رخ نمی‌دهد و اصلاح جامعه وظیفه‌ای بر دوش آن‌ها نیست. این رویکرد، باعث رکود اخلاقی و اجتماعی می‌شود؛ زیرا افراد از مسئولیت‌های فردی و جمعی خود غافل می‌مانند.

در سطح فردی، چنین نگاهی به کاهش انگیزه برای تلاش و خودسازی منجر می‌شود. افراد، به جای کار و یادگیری برای بهبود خود و جامعه، در انتظار تغییرات ناگهانی می‌نشینند. این امر، رکود در نیروی انسانی و کاهش بهره‌وری را در پی دارد. از منظر اجتماعی، برداشت منفعلانه از انتظار به بی‌تفاوتی عمومی در برابر مسائل اجتماعی، نظیر فساد و فقر، دامن می‌زند. جامعه‌ای که در آن، چنین نگاهی حاکم باشد، از انسجام و مشارکت لازم برای ایجاد تغییرات مثبت محروم خواهد شد.^۲

تأثیر فرهنگ عمیق و فعال از انتظار بر تمدن‌سازی:

اما در مقابل، برداشت عمیق از انتظار، نگاهی فعال و مسئولیت‌محور است. این نوع انتظار، افراد را به تلاش برای خودسازی اخلاقی و فکری ترغیب می‌کند. منتظر واقعی می‌داند که ظهور منجی، به آمادگی فردی و اجتماعی نیازمند است. بنابراین، او نه تنها برای بهبود خود تلاش می‌کند، بلکه در فعالیت‌های اجتماعی نظیر مبارزه با فساد و فقر نیز مشارکت دارد. فرهنگ انتظار فعال، جامعه را به سوی عدالت‌خواهی و مبارزه با بی‌عدالتی سوق می‌دهد. این نگرش، افراد را به مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور اجتماعی ترغیب می‌کند. چنین جامعه‌ای، همبستگی و انسجام بیش‌تری خواهد داشت و به مثابه بستری برای تمدن‌سازی عمل می‌کند. برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی درباره مفهوم انتظار و تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و

۱. میرباقری، انتظار: موعود و تمدن اسلامی، ص ۱۱۲.

۲. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۷۸.

انسانی، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند این فرهنگ را تقویت کند.^۱ نتیجه آن که فرهنگ انتظار، بسته به نوع برداشت، می‌تواند نیروی محرکه‌ای برای پیشرفت یا عاملی برای رکود تمدنی باشد. فهم صحیح از این مفهوم، به آموزش گسترده و عمیق در سطح جامعه نیازمند است تا از پیامدهای سطحی‌نگری، نظیر رکود و تقدیرگرایی، جلوگیری و زمینه‌های لازم برای تمدنی عدالت‌محور و اخلاق‌مدار فراهم شود.

در همین زمینه آیت‌الله خامنه‌ای تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که در آن انسان می‌تواند تمامی ظرفیت‌های مادی و معنوی خود را به فعلیت برساند و به غایات مطلوبی که خداوند برای او مقرر کرده است، دست یابد.^۲ این تعریف نشان می‌دهد که تمدن اسلامی صرفاً بر پایه زیست جمعی یا توسعه مادی بنا نمی‌شود، بلکه آرمان‌ها، باورها، و فضیلت‌ها در شکل‌گیری آن نقش محوری دارند. یکی از این باورهای کلیدی، مفهوم انتظار است که به عنوان محرکی برای حرکت به سوی تمدن اسلامی عمل می‌کند. انتظار در فرهنگ اسلامی نه تنها به معنای امید به آینده‌ای روشن، بلکه به عنوان یک وظیفه عملی برای آمادگی در مسیر تحقق عدالت و آرمان‌های الهی درک می‌شود. ایشان تأکید دارند که تمدن‌سازی مقلدانه، همان‌گونه که در تمدن‌های غرب‌گرا و شرق‌گرا مشاهده می‌شود، ساختاری سست و آسیب‌پذیر دارد. تقلید در تمدن‌سازی به معنای بی‌اعتنایی به ارزش‌های بومی و دینی است که زیربنای پایداری تمدن‌ها را تشکیل می‌دهد. در مقابل، تمدن اسلامی باید بر پایه جهان‌بینی توحیدی و معنویت عمیق بنا شود. در این میان، انتظار برای تحقق وعده الهی، نقش نیروی محرک در تمدن‌سازی دارد. این انتظار فعال، جامعه را به تلاش برای اصلاح خود، ایجاد عدالت، و گسترش معنویت سوق می‌دهد.^۳

آیت‌الله خامنه‌ای تمدن اسلامی را شامل دو بخش اساسی می‌داند:

۱. محلاتی، انتظار و مسئولیت اجتماعی، ص ۶۰.

۲. بیانات، ۱۳۹۲/۴/۱۶.

۳. بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۱. **پیشرفت مادی:** این بخش با هدف تأمین آسایش، رفاه، و امنیت مردم تعریف می‌شود؛ اما برخلاف تمدن‌های مادی‌گرا، در تمدن اسلامی پیشرفت مادی ابزاری برای تحقق اهداف والاتر معنوی است. انتظار، به عنوان یک عنصر فعال در تمدن اسلامی، تلاش برای فراهم آوردن زیرساخت‌های این پیشرفت را تشویق می‌کند.

۲. **رشد معنوی:** این رشد بر پایه وحی الاهی، هدایت خداوند، و اخلاق توحیدی بنا شده است. به تعبیر ایشان، تمدن اسلامی باید توازی میان این دو بخش ایجاد کند؛ چراکه پیشرفت مادی بدون معنویت، صرفاً رفاه بی‌روح و آسیب‌پذیری اخلاقی به دنبال دارد. انتظار ظهور منجی، نه تنها امید به آینده، بلکه مسئولیتی برای ایجاد این توازن از طریق خودسازی و ارتقای جامعه است.^۱

تمدن اسلامی، از دیدگاه ایشان، نوعی پروژه جامع فکری است که بدون برخورداری از یک مکتب فکری و ایدئولوژی قوی قابل تحقق نیست. ایمان عمیق، جهان‌بینی منسجم، و تلاش هدفمند سه رکن اصلی این تمدن هستند. انتظار، به عنوان یکی از جلوه‌های این ایمان، انسان را به مسئولیت‌پذیری و آماده‌سازی جامعه برای تحقق عدالت الاهی دعوت می‌کند. به گفته ایشان: «بدون داشتن یک مکتب، فکر، ایمان و تلاش مستمر، تمدن‌سازی امکان‌پذیر نیست»^۲ این نگرش نشان می‌دهد که تمدن اسلامی فراتر از ساختارهای فیزیکی، بر اصلاح معرفت دینی و تقویت باورهای توحیدی مبتنی است. این باورها، علاوه بر ایجاد نگرشی سازنده و متعهد، بنیانی برای انسجام اجتماعی، مدیریت جامعه، و تعیین اهداف تمدنی فراهم می‌آورند.^۳ انتظار، در این چارچوب، مفهومی است که با ایجاد امید و انگیزه در افراد، زمینه‌ساز تحقق تمدن اسلامی می‌شود. انتظار فعال به معنای حرکت در مسیر ساخت تمدنی است که عدالت، معنویت، و رشد مادی و معنوی را هم‌زمان محقق سازد.

۱. بیانات، ۱۳۸۵/۸/۲۰.

۲. بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۳. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۱۸۷ و ۲۲۳.

به عبارتی دیگر، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که تمدن اسلامی مفهومی چندبعدی و پویاست که بر توازن میان پیشرفت مادی و تعالی معنوی استوار است. انتظار، در این میان، نقشی حیاتی دارد؛ زیرا امید و انگیزه را در جامعه زنده نگه می‌دارد و مردم را به آماده‌سازی فردی و اجتماعی برای تحقق آرمان‌های تمدن اسلامی سوق می‌دهد. این انتظار فعال، نه تنها جامعه را از رکود و انفعال دور می‌کند، بلکه آن را به سوی عدالت، معنویت، و توسعه پایدار هدایت می‌کند.

نقش انتظار پویا در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و عدالت‌محور

انتظار، صرفاً باور اعتقادی نیست، بلکه نیرویی محرک برای ایجاد تحول در فرد و جامعه محسوب می‌شود. در فرهنگ دینی، انتظار سازنده و پویا، انسان را به سمت خودسازی، مسئولیت‌پذیری و تلاش برای برقراری عدالت سوق می‌دهد. از این رو، انتظار صحیح نه تنها موجب تحولات فردی می‌شود، بلکه نقش مهمی در اصلاحات کلان اجتماعی، فرهنگی و عدالت‌محور دارد. به عبارت دیگر، جامعه‌ای که درک درستی از مفهوم انتظار دارد، به طور خودجوش در مسیر اصلاح ساختارها و ارزش‌های اجتماعی گام بر می‌دارد تا بستر تحقق عدالت فراهم شود. در این نگرش، انتظار پویا خود عامل و زمینه‌ساز اصلاحات است، نه این‌که اصلاحات بخواهد زمینه را برای انتظار فراهم کند. این نوع انتظار، جامعه را از ایستایی و رکود خارج کرده و آن را به سوی پیشرفت در مسیر ارزش‌های الهی هدایت می‌کند. انتظار، اگر در چارچوبی صحیح درک شود، در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و عدالت‌محور تأثیرگذار خواهد بود که در ادامه به آن می‌پردازیم. بدین ترتیب، انتظار پویا نه تنها در عرصه فردی، بلکه در ابعاد اجتماعی و تمدنی، عامل حرکت به سوی اصلاحات بنیادین خواهد بود.

اصلاحات اجتماعی در پرتو انتظار

انتظار پویا، جامعه را به سمت عدالت اجتماعی و انسجام سوق می‌دهد. در این نگرش، انتظار به معنای بی‌عملی و سکون نیست، بلکه زمینه‌ای برای مشارکت اجتماعی، تلاش برای رفع

مشکلات و مقابله با فساد و تبعیض است. منتظر واقعی، فردی کنشگر است که نسبت به وضعیت جامعه بی تفاوت نیست و برای تحقق ارزش‌های عدالت‌محور، مسئولیت‌پذیرانه رفتار می‌کند^۱ این مشارکت فعال، همبستگی اجتماعی را تقویت و جامعه را برای پذیرش حکومت عدل الهی آماده می‌کند.

اصلاحات فرهنگی به عنوان زیربنای انتظار

فرهنگ انتظار، زیربنای تحولات اجتماعی و تمدنی است. جامعه‌ای که درک صحیحی از انتظار دارد، بر تقویت ارزش‌های اخلاقی، آگاهی‌بخشی عمومی و تربیت نسل‌های متعهد تأکید می‌کند. در چنین فرهنگی، مردم به جای رویکردی منفعلانه، با اتخاذ نگرشی فعال، زمینه‌ساز اصلاحات در سبک زندگی، باورهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی می‌شوند. استاد مطهری انتظار را فرایندی تدریجی و رشد‌یابنده می‌داند که به مراقبت، پرورش و آماده‌سازی جامعه برای تحقق عدالت نیازمند است.^۲ در جوامعی که مفاهیم فرهنگی به درستی درک نمی‌شوند، انتظار نیز می‌تواند از یک نیروی محرک به عاملی برای رکود تبدیل شود؛ اما اگر فرهنگ انتظار به عنوان اصل بنیادین در جامعه پذیرفته شود، خودبه‌خود، اصلاحات اجتماعی و فرهنگی را به همراه خواهد داشت. انتظار پویا، نه تنها باور ذهنی، بلکه سبک زندگی است که در آن، افراد به جای انفعال، به مسئولیت‌پذیری و کنشگری روی می‌آورند. شاید بتوان گفت تمدن‌هایی که دچار فروپاشی فرهنگی شده‌اند، پیش از آن، امید به تغییر را ازدست داده و درگیر نوعی رخوت و بی‌عملی شده‌اند. از این رو، جامعه‌ای که انتظار را در بطن فرهنگ خود نهادینه کند، در واقع، خود را برای عبور از بحران‌های هویتی، اجتماعی و اخلاقی آماده کرده است.

عدالت‌محوری، به عنوان هسته تمدن اسلامی

در فرهنگ انتظار، عدالت به عنوان اصل اساسی مطرح است. انتظار سازنده، جامعه را به

۱. میرباقری، انتظار: موعود و تمدن اسلامی، ص ۱۱۱۲.

۲. مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ج ۴، ص ۴۷.

سمت توزیع عادلانه منابع، رفع تبعیض‌های اجتماعی و ایجاد ساختارهای مبتنی بر عدالت سوق می‌دهد. جامعه منتظر باید در مبارزه با ظلم و فساد پیشگام باشد و زمینه تحقق عدالت را در همه سطوح فراهم کند.^۱ از این رو، انتظار صحیح، نیرویی محرک برای تحقق جامعه‌ای مبتنی بر اصول عدالت اسلامی است که در نهایت، مقدمه‌ای برای ظهور حکومت عدل الهی خواهد بود.

انتظار و تمدن اسلامی

انتظار، نه تنها در بعد فردی، بلکه در بُعد اجتماعی و تمدنی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. منتظران مصلح، با ایجاد اصلاحات تدریجی و پایدار، جامعه‌ای توانمند برای پذیرش حکومت عدل الهی ایجاد می‌کنند. این حرکت، با تقویت فرهنگ دینی، مشارکت اجتماعی و عدالت‌محوری، بستری برای ایجاد تمدن اسلامی فراهم می‌کند. انتظار، فرایند جامع و تدریجی است که همه‌جانبه‌نگری و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. این نگرش، افراد را از انفعال و تقدیرگرایی دور می‌کند و آن‌ها را به سوی تلاش فعال برای دستیابی به اهداف متعالی سوق می‌دهد. نتیجه آن که انتظار، مفهومی فعال و هدفمند است که جامعه را از حالت رکود و انفعال به سوی پویایی و اصلاح هدایت می‌کند. تحقق تمدن اسلامی در سایه چنین نگرشی امکان‌پذیر است؛ زیرا این نوع انتظار، هم‌زمان اصلاح فردی، اجتماعی و فرهنگی را طلب و با تقویت عدالت، زمینه‌های ظهور و حکومت عدل الهی را فراهم می‌کند.

۱. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۷۸.

نتیجه‌گیری

انتظار، به عنوان مفهومی دینی و اجتماعی، می‌تواند نیرویی پیش‌برنده برای تحولات فردی و تمدنی باشد. جامعه‌ای که انتظار را به درستی درک کند، آن را از حالت صرفاً ذهنی و منفعلانه به نیروی محرک برای اصلاحات اجتماعی تبدیل می‌کند. انتظار فعال، فرد را از انزوا خارج می‌کند و به مشارکت در رفع بی‌عدالتی، مقابله با فساد و تلاش برای بهبود شرایط اجتماعی سوق می‌دهد. این نگرش، به انسجام اجتماعی کمک و جامعه را به سوی ارزش‌هایی همچون همبستگی، عدالت و مسئولیت‌پذیری هدایت می‌کند.

در مقابل، انتظار منفعلانه می‌تواند به رکود اجتماعی و پذیرش وضع موجود منجر شود. این نوع انتظار، افراد را به چشم‌داشتن به آینده‌ای نامعلوم بدون هیچ‌گونه تلاش برای تغییر حال حاضر سوق می‌دهد که نتیجه آن تضعیف سرمایه اجتماعی و افزایش بی‌تفاوتی عمومی خواهد بود.

بنابراین، درک صحیح از انتظار، نه تنها به عنوان نوعی باور دینی، بلکه به مثابه ابزاری تمدنی، جامعه را برای پذیرش عدالت و پیشرفت آماده می‌کند. جامعه‌ای که به انتظار فعال پایبند باشد، نه تنها در برابر چالش‌های اجتماعی مقاوم‌تر است، بلکه بستری مناسب برای تحقق عدالت و شکوفایی تمدن اسلامی فراهم می‌آورد.

منابع

۱. اسماعیل بن حماد الجوهری، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، انتشارات دارالعلم الملايين، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲. پاتنام، رابرت، *دموکراسی و سرمایه اجتماعی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، نشر کویر، تهران، ۱۳۹۵.
۳. توین بی، آرنولد، *بررسی تاریخ تمدن* (خلاصه دوره دوازده جلدی)، ترجمه محمدحسین آریا، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
۴. جعفری، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۵، فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۲.
۵. حکیمی، محمدرضا، *خورشید مغرب*، انتشارات غدیر، تهران، ۱۳۹۱.
۶. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۷. دورانت، ویل، *تاریخ تمدن* (مشرق زمین: گاهواره تمدن)، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریان پور، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۵.
۸. دورکیم، امیل، *صور ابتدایی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، نشر هرمس، تهران، ۱۳۸۲.
۹. سبحانی، جعفر، *انتظار و زمینه های اجتماعی آن*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
۱۰. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۱۱. قرائتی، محسن، *انتظار و تمدن اسلامی*، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱.
۱۲. لوکاس، هنری، *تاریخ تمدن*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، مؤسسه کیهان، تهران، ۱۳۶۶.
۱۳. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۸۶.
۱۴. محلاتی، سروش، *انتظار و مسئولیت اجتماعی*، نشر احسان، تهران، ۱۳۹۵.
۱۵. مطهری، مرتضی، *آزادی و معنویت*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۵.
۱۶. مطهری، مرتضی، *قیام و انقلاب مهدی*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۱.
۱۷. میرباقری، علیرضا، *انتظار: موعود و تمدن اسلامی*، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۹۰.
۱۸. نراقی، محمدجواد، *حکمت اجتماعی در تمدن اسلامی*، انتشارات دانشگاه تهران،

تهران، ۱۳۸۹.

۱۹. وبر، ماکس، *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری*، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر،

نشر علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.


۲۰. واسطی زبیدی حنفی، سیدمحمد مرتضی حسینی، *تاج العروس من جواهر القاموس*،

تحقیق: علی شیری، ج ۷، انتشارات دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

مجله‌ها

پژوهش‌های علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم، ج ۱، مقاله «تمدن و مبانی آن از دیدگاه

اندیشمندان اسلامی»، ۱۳۷۶.

 صفحه اینترنتی

سایت مقام معظم رهبری:

www.khamenei.ir

